



## بخش چهارم: زندگی با بی شعورها

### فصل نوزدهم: کار کردن با بی شعورها

«آه... لعنتی، باز هم یک بی شعور دیگر!»

جرج در جلسه‌ی معارفه رئیس خود

اگر بیکار، بازنشسته یا خیلی ثروتمند نباشید، احتمالاً باید با یک بی شعور کار کنید و هنوز عده‌ی کمی می‌دانند که چگونه باید با بی شعورها کنار بیایند.

ما هیچ آموزشی برای این مسئله مهم ندیده‌ایم؛ اما ثابت شده که خودمان می‌توانیم از پس آن برآییم.

البته بسیاری از مردم می‌پرسند آیا کار کردن با بی شعورها آسان است؟ باعث خرسندی است که بگوییم آری، میسر است. نقطه آغاز کار دست خودتان است.

برای اینکه در مقابله با بی شعورها موفق شوید، باید انگیزه داشته باشید. باید از خودتان چند سؤال پرسید:

- چقدر کارتتان را دوست دارید؟

- چقدر به حقوقتان نیاز دارید؟

- آیا این شغل به عذابش می‌ارزد؟

شاید وسوسه شوید که کارتتان را رها کنید و به جای دیگری بروید؛ اما هدف این نیست. به خاطر داشته باشید که اگر به سراغ شغل بهتر از این بروید، شاید مجبور باشید باز هم با بی‌شعورهای دیگری سرو کله بزنید. هدف از این پرسش‌ها آن است که شخصیت خود را برای مقابله با بی‌شعورها تقویت کنید.

گام بعدی، بررسی گزینه‌های پیش روی شماست. برای شما چند گزینه وجود دارد:

- می‌توانید گزینه رقابت با بی‌شعور را انتخاب کنید؛ اما این کار پیشنهاد نمی‌شود، چون این گونه شما هم مثل او یک بی‌شعور خواهید بود؛ ولی یک بی‌شعور تازه‌کار که در مقابل بی‌شعورهای کهنه‌کاری که در انواع دروغ‌گویی، حقه‌بازی، گردن‌کلفتی، تقصیرها را به گردن دیگران انداختن و بی‌مسئولیتی استاد هستند، کم خواهید آورد. اگر سعی کنید در این بازی حریف را شکست دهید، آن‌ها با شما رقابت می‌کنند و از میدان به درتان خواهند کرد.

- می‌توانید وسوسه شوید که بی‌شعورها را اصلاح کنید. من به عنوان درمانگری که با هزاران نفر کار کرده است، به شما اطمینان می‌دهم که اگر بی‌شعوری نخواهد خود را اصلاح کند، درمانش محال است؛ حتی اگر او تصمیم به درمان گرفته باشد، باز هم کار سختی است. پس کار اصلاح بی‌شعورها را به درمانگران حرفه‌ای بسپارید و این‌گونه به تعداد

افراد شریفی اضافه نکنید که با تلاش‌های قهرمانانه، ولی بی‌جای‌شان برای اصلاح بی‌شعورها، عاصی و فرسوده شده‌اند.

- می‌توانید یاد بگیرید که چگونه از شرّ بی‌شعورها جان سالم به در ببرید. منظور این است که انسانیت، شخصیت، شأن و روحیه خود را در برابر او حفظ کنید. لازمه‌ی این کار، فریبندگی، مهارت و زیرکی‌تان است؛ اما اگر یاد بگیرید این کار را انجام دهید، می‌توانید تا مدت‌ها از بی‌شعورها دور باشید.

اولین قانون کار با بی‌شعورها این است که به یاد داشته باشید ظواهر برای آن‌ها در حکم همه چیز است. تظاهر به علاقه، همکاری، مهربانی، احترام، حتی ترس از آن‌ها برای راضی نگه داشتن‌شان و القای حس فوق‌العاده بودن به ایشان، کافی است؛ ولی این کار باید در نهایت مهارت و احترام باشد، چون خود بی‌شعورها تمام عمر در حال تظاهر کردن هستند. آن‌ها متوجه صداقت جعلی می‌شوند.

دومین قانون، تلاش برای ارتباط مناسب است. این اصل از نظر بی‌شعورها به این معناست که آن‌ها باید مورد توجه قرار بگیرند، به آن‌ها سلام کنند، حرف‌های‌شان را گوش کنند، موافق‌شان باشند، تعارف‌شان کنند، به آن‌ها عشق بورزند و تبریک بگویند. در گفتن چنین جملاتی به آن‌ها زیاده‌روی کنید:

«متشکرم!»

«حق با شماست.»

«بله... شما خیلی باهوش هستید.»

«متأسفم، عذر می‌خواهم.»

البته انتظار نداشته باشید که این جملات را به شما بگویند. این مدل ارتباط با بی شعورها مثل خیابان یک طرفه است.

قدم سوم در تعیین سیاست مناسب برای ارتباط کاری با یک بی شعور این است که مشخص کنید نوع ارتباط او با شما چگونه است؟ اگر آن شخص رئیس تان یا زیردست یا همکارتان باشد، قضیه فرق می کند. با هر کدام باید متفاوت رفتار کرد.

- راضی نگه داشتن رئیس بی شعور: بی شعورها خیلی نگران از دست دادن قدرت شان هستند. و به تهدیدهای واقعی و غیر واقعی حساسند. هرگز کاری نکنید که قدرت رئیس تان به خطر بیفتد؛ اما یاد بگیرید که با او مثل یکی از خدایان یا عضوی از خانواده‌ی سلطنتی رفتار کنید. علاقه‌ی خود را به اهداف و برنامه‌های او نشان دهید. هر روز به او سلام کنید، لازم نیست از حدش بگذرید و مثلاً عکس رئیس تان را روی میز خود بگذارید و دفع چشم زخم جلوی آن قرار دهید. فقط به او تعظیم کرده و تکریمش کنید. احتمالاً روزی به دردتان خواهد خورد. سعی کنید تا حد ممکن از لفظ «قربان» استفاده کنید؛ ولی در جمع، رئیس تان را با عباراتی مثل بنده‌نوازی کردید یا حضرت اجل خجالت زده نکنید.

با این نمایش وفاداری، رئیس تان فکر خواهد کرد که شما فوق العاده هستید و به شما امتیاز خاصی خواهد داد، مثل اینکه در روزهای کاری قبل از ساعت هشت بعد از ظهر به خانه بروید و دیگر اینکه در روزهای کاری دو یا سه بار در هفته با شما ناهار بخورد.

- کار کردن با زیردستان بی شعور: رفتار با آن‌ها برعکس است. لازم است که شما با آنان مثل بچه‌های کوچک، حساس، زودرنج و ترسویی

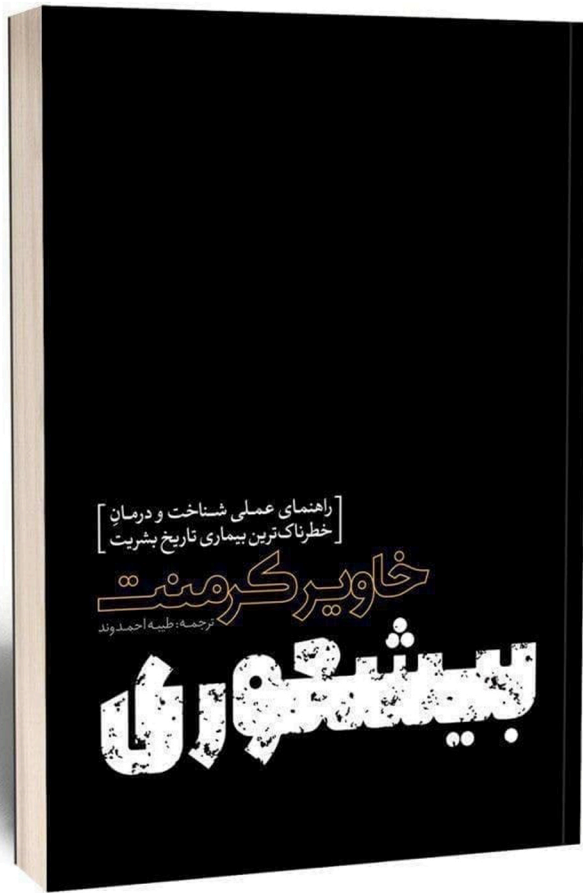
که فقط هیکل شان بزرگ شده، رفتار کنید. خود را مهار کنید تا سرشان داد نزنید یا گیج شان نکنید. این فقط آن ها را خواهد ترساند و کارها را مختل خواهد کرد.

زیردستان بی شعور، مدام از کارهای شان ناله می کنند. به آن ها یادآوری کنید که وقتی در موقعیت آن ها بودید، همین کارها را انجام می دادید. روزی هم نوبت آن ها می رسد که زیردستانی داشته باشند؛ ولی تا آن زمان، باید به کارشان ادامه دهند. اگر هنوز اصرار به غرزدن داشتند، امتیازهایی مثل حق خوردن قهوه و چیزهایی مثل آن را از ایشان سلب کنید و آن قدر ادامه دهید تا دست از غرزدن بردارند.

احتمالاً آن ها سعی می کنند که شما را با انجام ندادن کارهای شان تحت فشار بگذارند. آن ها را به گوشه ای ببرید و بگویید که همه سازمان به کارشان نیاز دارد. این گونه حرف ها غرور را ارضا خواهد کرد. اگر این روش میسر نبود، آن ها را تنبیه کنید و بگویید که هر روز پانزده دقیقه زودتر برای درست کردن قهوه به اداره بیایند و برای کمک های غیر نقدی عید به آنان ذغال سنگ بدهید.

سپس هر وقت شنیدید که دوست بی شعورتان شرکتی تأسیس کرده، به او پیشنهاد دهید که زیردستان شما را استخدام کند. این گونه شما می توانید این بی شعورها را با هم آشنا کنید.

- کار با همکاران بی شعور: این قسمت از همه سخت تر است. شما نمی توانید با آن ها مثل رئیس یا زیردست رفتار کنید. اگر با آن ها این گونه رفتار کنید، مثل هر بی شعور دیگری خشمگین خواهند شد. این گروه سعی دارند مثل رئیس ها رفتار کنند؛ ولی شبیه کودکی می شوند که به تشرزدن نیاز دارد. پس جلوی این وسوسه بایستید.



خرید این اثر از سایت  
**YUSHITA.COM**

یوشیتا

✉ INFO@YUSHITA.COM

☎ ۰۲۵-۳۲۶۱۷۲۳۷

📱 @YUSHITAPUB